



The Scope of the Islamic System in the Private Arena and Its Discipline from the Perspective of Shia Political Jurisprudence

Sayyid Kazem Sayyid Baqeri¹

Received: 26/11/2020

Accepted: 17/01/2021

Abstract

The present paper deals with the scope of the Islamic system's authority in the private arena and its discipline from the perspective of Shia political jurisprudence. In this regard, the basic premise and principle is the lack of guardianship and the impermissibility of intervention, based on the need to preserve human dignity, the need for justice and considering oppression as forbidden. However, since in some cases some citizens violate the privacy of others, based on the principle of "The more important and the important" and in order to maintain the Islamic system, public interests, public security, independence and national interests, the scope of authority of the Islamic system extends to the private arena of citizens in a limited and determined way, with a legal license and with specific evidence. Such extension is based on reason, verses of the Holy Quran and narratives. Considering the possibility of agents' wrongdoing and the behavior of some obstinate people and non-observance of its sensitive issues, an attempt has been made to take initial steps to design a discipline process for entering the private arena. In this regard, the necessity of enacting strict laws, emphasizing collective decision-making, determining the boundaries of emergency criteria, necessity and expediency, and determining the boundaries of interventions have been emphasized. This study has been conducted within the framework of jurisprudence of government and with the method of ijthihad and reading texts.

Keywords

Authority of the Islamic system, entry discipline, private arena, Shia political jurisprudence.

1. Associate Professor, Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. sbaqeri86@yahoo.com

* Sayyid Bagheri, S. K. (2020). The Scope of the Islamic System in the Private Arena and Its Discipline from the Perspective of Shia Political Jurisprudence. *Journal of Jurisprudence and Politics*, 1(2) pp. 63-88. Doi: 10.22081/ijp.2021.61322.1016.

گستره اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی و ضابطه‌مندی آن از منظر فقه سیاسی شیعه

سیدکاظم سیدباقری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶

چکیده

نوشته حاضر به گستره اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی و ضابطه‌مندی آن از منظر فقه سیاسی شیعه می‌پردازد. در این عرصه، فرض اولیه و اصل، عدم ولایت و عدم جواز مداخله، مبتنی بر لزوم حفظ کرامت انسان، لزوم عدالت‌ورزی و حرمت ظلم است؛ اما از آن‌جا که در مواردی برخی از شهروندان، حریم خصوصی دیگران را می‌شکنند، بر پایه قاعده «أهم و مهم» و برای حفظ نظام اسلامی، مصالح عمومی، امنیت جامعه، استقلال و منافع ملی، گستره اختیارات نظام اسلامی به‌طور محدود و تعیین شده، با مجوز قانونی با مصداق معین، به عرصه خصوصی شهروندان تسری می‌یابد. این امر مستند به دلیل عقل، آیات قرآن کریم و روایات است. با توجه به احتمال لغزش کارگزاران و رفتار برخی از عناصر خودسر و عدم رعایت مسائل حساس آن، تلاش گردیده است تا گام‌هایی آغازین برای طراحی فرایند ضابطه‌مندی ورود به عرصه خصوصی، برداشته شود؛ در این باره بر ضرورت وضع قانون‌های سخت‌گیرانه، تاکید بر تصمیم‌گیری جمعی، تعیین حد و مرز ضوابط اضطرار، ضرورت و مصلحت و تعیین حد و مرز موارد دخالت، تاکید شده است. این مساله در چارچوب فقه حکومتی و با روش اجتهاد و خوانش متون انجام شده است.

کلیدواژه‌ها

اختیارات نظام اسلامی، ضابطه‌مندی ورود، عرصه خصوصی، فقه سیاسی شیعه.

sbaqeri86@yahoo.com

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

* سیدباقری، سیدکاظم. (۱۳۹۹). گستره اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی و ضابطه‌مندی آن از منظر فقه

سیاسی شیعه. دوفصلنامه علمی - تخصصی فقه و سیاست، ۱(۲) صص ۶۳-۱۰۱6. Doi: 10.22081/ijp.2021.61322.1016.۸۸-۶۳

درآمد

از مباحث عمده و چالش برانگیز در فقه سیاسی شیعه، بحث از گستره اختیارات نظام اسلامی و دخالت یا عدم دخالت در عرصه خصوصی شهروندان است. عرصه خصوصی غالباً به دور از تکلف‌ها و مسئولیت‌های زندگی جمعی است و افراد، فارغ از دغدغه‌های سیاسی-اجتماعی به زندگی خویش می‌پردازند و کسی حق دخالت در آن را ندارد. با این وجود، گاه دخالت‌های غیرمجاز در این حوزه رخ می‌دهد؛ حال از سوی افراد حقیقی که غالباً دایره‌ای محدود دارد، یا از سوی کارگزاران نظام سیاسی که پشتوانه قدرت و ثروت دارند و شهروندان عادی، به سختی می‌توانند در برابر آن، از خود دفاع کنند. خاصه آن که امروزه، دولت‌ها به سادگی با قدرت و ابزار پیشرفته‌ای که در اختیار دارند، امکان شنود و جاسوسی و دخالت در این حوزه را دارند. حساسیت این امور، پرسش‌هایی جدی در این بحث ایجاد کرده است.

با همه اهمیت‌هایی که این قلمرو دارد و ادله مختلف عقلی و نقلی بر حرمت آن دلالت دارد. اما آن‌گاه که این امر تراحم کند با امری مهم‌تر که مربوط به حفظ امنیت و عرصه عمومی جامعه اسلامی است، برخی از مسائل اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی، مطرح می‌شود. آن‌گاه که فردی تلاش می‌کند به عرصه خصوصی دیگران، ورود عدوانی و تجاوزکارانه داشته باشد و به آن، صدمه زند، در واقع، عرصه خصوصی خود را تبدیل به عرصه عمومی کرده است و حرمت خود را شکسته است. طبیعی است که باید در این مرحله، به گونه‌ای ضابطه‌مند با آن برخورد کرد که مسأله‌ای مربوط به حوزه عمومی است و از اصل اولی و عام عدم جواز دخالت در حریم خصوصی خارج شده و دخالت در آن جایز می‌گردد.

بحث گستره اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی، هرگز از حساسیت مسأله عدم دخالت در عرصه خصوصی شهروندان نمی‌کاهد و باید ساختاری طراحی شود و سامانه‌ای فراهم آید که کارگزاران نظام اسلامی به تشخیص و میل خود به سادگی نتوانند در زندگی خصوصی شهروندان دخالت کنند؛ ساختاری که می‌تواند امور این عرصه را نظم دهد؛ البته رسالت این نوشته پردازش ضوابط دخالت و ادله حرمت

دخالت نیست (سیدباقری، ۱۳۹۸)^۱، اما به هر حال، نمی‌توان انکار کرد، به دلیل آن که برخی از افراد سودجو و تبه‌کار - که به حق خود قانع نیستند و به سادگی امنیت اقتصادی، سیاسی و روانی دیگران را با چالش روبرو می‌کنند - نیاز به مهار و نظارت دارند و گاه این امر ممکن نمی‌شود، مگر با دخالت در زندگی خصوصی آنان؛ این مسأله، همان است که گاه می‌توان از آن به «تجسس بر دشمن» یا «تجسس بر مجرمین و تبه‌کاران» یاد کرد که ذیل «تجسس مشروع» قرار می‌گیرد (ر.ک: الدغمی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۷)؛ هم‌چنان که در آموزه‌های دینی برای رعایت حریم خصوصی و منع مداخله، عمدتاً درباره شهروندان عادی جامعه اسلامی است، ولی وقتی بحث از اداره جامعه یا اداره‌کنندگان جامعه و رفع تهدید و خطر از جامعه است، موضوع متفاوت است (ر.ک: آقابابایی، ۱۳۹۶، ص ۲۹۸). بنابراین، نوشته در پی معجازسازی دخالت در عرصه خصوصی شهروندان قانون‌مدار و عادی نیست، بلکه در جستجوی بررسی ضابطه‌مندی اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی اخلاص‌گران امنیت است. با این رویکرد، آنچه این نوشته به آن می‌پردازد، گستره اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی و تاکید بر ضابطه‌مندی آن، با تکیه بر پاره‌ای از ادله عقلی و نقلی است، و در پاسخ بر این امر تاکید شده است که با وجود اصل اولی «عدم جواز دخالت در عرصه خصوصی شهروندان»، کارگزاران نظام اسلامی بر پایه قاعده «أهم و مهم» و برای حفظ نظام اسلامی، مصالح عمومی، امنیت جامعه، استقلال و منافع ملی می‌توانند به‌طور محدود و تعیین‌شده، با مجوز قانونی، در عرصه خصوصی شهروندان دخالت کنند و برای جلوگیری از لغزش بعضی از کارگزاران و ورود خودسرانه آنان به حریم دیگران و اختلال در نظام اجتماعی، با وضع قانون‌های سخت‌گیرانه، تصمیم‌گیری جمعی، تعیین حد و مرز ضوابط اضطرار، ضرورت و مصلحت و تعیین حد و مرز موارد دخالت، باید روند و سامانه‌ای را طراحی کرد که بتواند جلوی این گونه دخالت‌ها را بگیرد. این مهم با مراجعه به دلیل عقلی و نقلی و

۱. نویسنده در مقاله‌ای دیگر به تفصیل این بحث را بررسی کرده است (ر.ک. سید کاظم سیدباقری، ۱۳۹۸). ضوابط دخالت نظام اسلامی در عرصه خصوصی شهروندان از منظر فقه سیاسی شیعه؛ فصلنامه فقه حکومتی، (۷)، صص ۲۹-۵۳.

توصیف و تحلیل آنها، در چارچوب فقه حکومتی با قرائت امام خمینی علیه السلام، بر پایه روش مرسوم اجتهاد بدون ورود به جزئیات آن انجام شده است.

منظور از عرصه خصوصی در این نوشته، حوزه‌ای محرمانه و متعلق به افراد است که دیگران مجاز به ورود به آن نیستند، به بیان دیگر، حریم خصوصی، قلمروی از زندگی افراد است که راضی نیستند دیگران به آن دسترسی پیدا کنند؛ هرچند این بحث، در فقه، جدید است اما با توجه به واژگانی مانند «حق خلوت»، «حرم» و «حریم»، می‌توان گفت که در دانش فقه، دارای سابقه‌ای طولانی است؛ آن‌چنان که در حقوق غربی، این مهم از سابقه و اهمیت بالا برخوردار است و مباحث آن ذیل حقوق خصوصی^۱ و با عناوینی چون «حق تنهابودن»^۲ بررسی شده است که شبیه بحث حق خلوت در فقه اسلامی است.

درباره عرصه خصوصی شهروندان و ادله حرمت دخالت آن، آثاری نوشته شده است و کمتر بحث از اختیارات نظام اسلامی در این حوزه بحث شده است؛ با این همه، برخی از مباحث این مساله در بعضی از کتب بررسی شده است. برای نمونه راکان الدغمی، در کتاب التجسس و أحكامه فی الشریعه الإسلامیه، به‌طور خاص، برخی از زوایای مساله تجسس، جاسوسی مشروع، تجسس در افراد مجرم و تعقیب آنان و احکام آن در فقه اسلامی را بررسی کرده است (راکان الدغمی، ۱۴۰۶ق). حسین آقابابایی در کتاب حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام به مباحثی چون: ماهیت، دیدگاه‌ها و جلوه‌های حریم خصوصی، راهبردهای حمایت از آن، جرم‌انگاری مداخله در آن و انعطاف در اجرای قانون پرداخته است (آقابابایی، ۱۳۹۶). در کتاب دیگری، به نام حکومت اسلامی و حریم خصوصی (اسکندری، ۱۳۹۰)، نویسنده به ماهیت و مبانی حریم خصوصی؛ مبانی مصونیت آن؛ قلمرو آن؛ موارد نقض حریم خصوصی و مبانی دخالت در حریم

1. privacy Law

۲. «right to be alone» این بحث و اصطلاح را به سال ۱۸۹۰ دو حقوقدان آمریکایی به نام‌های Louis D. Brandeis و Samuel یادآور شدند و برای عمومی کردن آن تلاش کردند. برای توضیح بیشتر. ر.ک: Susan E. Gallagher, Introduction to "The Right to Privacy" by Louis D. Brandeis and Samuel Warren: A Digital Critical Edition, University of Massachusetts Press, 2017.

خصوصی پرداخته است. در کتاب «عرصه عمومی و خصوصی در فقه شیعه» به قلم محمد پزشکی (پزشکی، ۱۳۹۳)، مباحثی چون موضوع عرصه عمومی و عرصه خصوصی، امور حسیه، ظرفیت سنجی عرصه عمومی و عرصه خصوصی، ارتباط این دو عرصه با قواعد عام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قواعد عام روشی و قواعد عام فقه و ملاکات احکام، تشریح شده است و در کتاب «مبانی حریم خصوصی»، نویسنده مباحثی چون: مبانی حریم خصوصی؛ قلمرو حقوق و تکالیف شهروندان و دولت اسلامی را تحلیل کرده است (سروش محلاتی، ۱۳۹۴) و باقر انصاری در کتاب حقوق حریم خصوصی؛ مباحث متفاوتی چون بنیادهای نظری حریم خصوصی، مطالعه تطبیقی حریم خصوصی و مقوله‌های آن را تنظیم کرده است. نویسنده در بحث مقوله‌ها، مباحثی مانند: حریم منزل و خلوت افراد، حریم جسمانی افراد، متقاضیان کار، فعالیت‌های رسانه‌ای، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی را از منظر اسلام بررسی کرده است (انصاری، ۱۳۹۸). این نوشته به‌طور ویژه، به بررسی اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی و بایستگی طراحی روندهای ضابطه‌مند در عرصه خصوصی می‌پردازد؛ بحثی که کمتر به آن توجه شده است.

۱. دلایل وجود اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی

حریم و عرصه خصوصی، امری مورد احترام در فقه بوده و کسی حق دخالت و جاسوسی در زندگی دیگران را نداشته و ندارد. «اسلام برای رسیدن انسان به حوزه امنیت و آرامش است؛ زیرا از نظر قرآن و سنت، مردم خانواده‌ای همکار و همیارند و رو به سوی تکامل» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۷). تذکر این نکته مهم است که این امر استثنایی از منع کلی «لاتجسسوا» در آیه ۱۲ سوره حجرات است و طبعاً این امر با ملاحظات مختلف اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اداره جامعه و بازرسی و کنترل مجریان است که به دلیل عقلی و نقلی، تخصیص می‌خورد (آقابابایی، ۱۳۹۶، ص ۲۹۸). با این وجود، در ادامه، به اختصار، برخی از دلایلی بررسی می‌شود که حکایت از اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی و در موارد استثنایی دارد.

۱-۱. دلیل عقلی

دلیل اول در وجود اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی شهروندان، با بهره‌گیری از عقل سامان می‌یابد. عقل، همان‌گونه که برای جلوگیری از ایجاد ناامنی اجتماعی-روانی و هرج و مرج، به عدم دخالت در عرصه خصوصی شهروندان حکم می‌کند و آن را منافات با کرامت ذاتی انسان می‌شمارد؛ آن‌گاه که جان و مال و ناموس و امنیت شهروندان در خطر می‌افتد، حکم به اختیار نظام اسلامی و ضرورت دخالت در این موارد می‌کند که به واقع، امری مربوط به عرصه عمومی است.

برخی معتقدند که هر نظام سیاسی، چهار کارکرد ضروری دارد:

- (۱) سازگاری^۱؛ به معنای لزوم هماهنگ‌شدن هر نظام با محیط طبیعی و خارجی خود؛
- (۲) هدف‌گزینی^۲؛ یعنی بهره‌گیری سیاسی از منابع برای رسیدن به اهداف مشخص؛
- (۳) یکپارچگی^۳؛ به معنای تحقق قواعد و مقررات یا هنجارهای قانونی و مشروع برای اداره و به دست گرفتن نظام؛

(۴) حفظ الگوهای ناپیدا^۴؛ که مربوط به حفظ الگوهای ارزشی مشترک هر نظام است (استونز، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵). هر کدام از این کارکردها و وظایف، در صورتی اجرایی و عملیاتی می‌شود که امنیت جانی، جسمی و مالی و آرامش روحی و روانی بر جامعه حاکم گردد که ایجاد آن یکی از وظایف قطعی هر حاکم و دولتی از جمله دولت و حاکم اسلامی است. درست است که هدف متعالی دولت اسلامی، ایجاد بسترهای رشد و سعادت در جامعه است، اما اگر امنیت در جامعه نباشد، زمینه برای دستیابی به کارکردهایش از میان می‌رود، امور سامان نمی‌گیرد و زمینه برای رشد، رفاه، آرامش، حرکت به سوی کمال و سعادت فراهم نخواهد شد. بنابراین، اگر در مواردی ضرورت و اضطرار ایجاد کند، ناچار برای جلوگیری از فتنه‌انگیزی دشمنان و

1. Adaptation

2. Goal Attainment

3. Integration

4. Latent Pattern Maintenance

اخلال گران امنیت، کارگزاران نظام اسلامی باید به حریم خصوصی زندگی آنان وارد شود تا از مسائل مربوط به اختلال در امنیت آگاهی یابند و سازکارهای لازم برای مقابله با آن را آماده کنند.

پس عقل حکم می کند که برای ایجاد امنیت فراگیر در عرصه های مختلف، گاه چاره ای نیست جز آن که در حریم خصوصی شهروندان خاطی و تبهکار دخالتی انجام شود و از اخلال گری آنان در امور جامعه جلوگیری شود و این دخالت گری در هر نظامی بسته به شرایط و مقتضیات خود، انجام می شود؛ البته شکی نیست که در نظام های استبدادی، این امر فراگیر و بی ضابطه است و عرصه خصوصی اصولاً به رسمیت شناخته نمی شود.

با توجه به همین عنصر تعیین کننده، امام خمینی علیه السلام تاکید داشت، ممنوعیت ورود به عرصه خصوصی مردم، امری است و مقابله با گروه های سازمانی برای مقابله با نظام و امنیت جامعه اسلامی، امری دیگر؛ عقل حکم می کند که باید جلوی رفتار اخلال گران نظم و امنیت را گرفت. لذا خطاب به کارگزاران نوشت که آنچه (از رعایت حریم خصوصی مردم)، ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه ها و گروهک های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت های مجاهد و مردم بی گناه کوچک و بزرگ و برای نقشه های خراب کاری و افساد فی الأرض اجتماع می کنند و محارب خدا و رسول می باشند که با آنان در هر نقطه که باشند و همچنین در جمیع ارگان های دولتی و دستگاه های قضایی و دانشگاه ها و دانشکده ها و دیگر مراکز باید با قاطعیت و شدت عمل، رفتار کرد. وی، سپس تاکید دارد که عمل باید با احتیاط کامل همراه باشد، اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم «مفسد فی الأرض» و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است، آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند، با این همه، ایشان باز هشدار می دهد که هیچ یک از قضات، حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن، مأموران اجرا اجازه داشته باشند به

منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۱). جالب است که اصطلاح «خانه تیمی»، خود حکایت از آن دارد که گروهی سازمان‌یافته و متشکل، اقدام به خرابکاری علیه امنیت جامعه اسلامی می‌کنند.

بنابراین با ملاحظات عقلی که به‌عنوان محدودکننده حقوق از جمله حق حریم و خلوت در مقررات بشری مورد توجه قرار گرفت، در تعلیمات اسلامی هم به نحو کامل و شایسته‌ای مورد توجه است و به همین دلیل، سطح‌بندی مشخصی میان منع تفتیش و حمل بر صحت عمل و رفتار افراد عادی و حساسیت و تیزبینی نسبت به مقامات و متصدیان امور عمومی یا مواردی که به رصد فعالیت‌های ضدامنیتی دشمنان و مخالفان مربوط است، مشاهده می‌شود (آقابابایی، ۱۳۹۶، ص ۲۹۹). برخی از فقها تاکید دارند که عقل به این امر حکم می‌کند؛ چه آن‌که نظام اسلامی جز با مراقبت، پایدار نمی‌ماند و هر آنچه پابرجایی نظام بسته به آن باشد، به ضرورت و بداهت عقلی واجب است (خرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰). شرع اسلام، به‌شدت از تلاش برای دخالت در زندگی مردم و اسرار شخصی آنان نهی می‌کند، اما از امور مرتبط با مصلحت جمعی منع نمی‌کند، بلکه به دولت اسلامی اجازه می‌دهد تا اطلاعاتی صحیح تحت نظر حاکم اسلامی جمع‌آوری شود تا در پرتو آن، حرکت کند و بتواند توطئه‌گران را بشناسد و نقشه‌های آنان را باطل کند تا مصلحت امت اسلامی حفظ شود و وطن اسلامی از کید و نقشه دشمنان محفوظ ماند. این امری است که عقل سلیم آن را تایید می‌کند و فطرت آن را می‌پذیرد و اقتضای حکمت و تدبیر و سیاست دارای رشد است؛ «و هذا أمر يؤیده العقل السلیم و تقبله الفطره و تدعو إليه الحکمه و یقتضیه التدریر الصحیح و السیاسه الرشیده (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۴۲). از دیگر سو، عقل به قاعده «أهم و مهم»، حکم می‌کند و مفاد آن را می‌پذیرد؛ با توجه به اهمیت بیشتر، مصلحت افزون‌تر، اجرای عدالت و ایجاد امنیت جامعه اسلامی، طبعاً، مهمی چون عدم‌دخالت در حریم شخصی برخی از شهروندان خطاکار و کسانی که به حق خود قانع نیستند، کنار گذاشته می‌شود. آن‌گاه که افرادی

امنیت جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازند، به حکم عقل باید برای دستیابی به امر مهم، از مهم گذشت؛ جلوی آنان را گرفت که گاه لازمه این امر دخالت در عرصه خصوصی آنان است.

۱-۲. آیات قرآن کریم

پس از دلیل عقل، آیات و روایات متعددی در این باره وجود دارد که ما را به گستره‌ای از اختیارات حاکم اسلامی می‌رساند که به مداخله در زندگی خصوصی برخی از شهروندان، منجر می‌شود. در ادامه برخی از آیاتی که دلالتی نسبتاً مستقیم بر این بحث دارد، بررسی می‌شود.

۱-۲-۱. فتنه‌انگیزی و جاسوسی منافقان

در قرآن کریم، در سوره توبه آیه ۴۷ خداوند به نکته‌ای اشاره می‌کند که برخی از مفسران از آن به ضرورت جاسوسی بهره‌گیری کرده‌اند، در این آیه آمده است:

«لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَوُا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ اگر منافقین با شما بیرون آمده بودند، جز فساد برای شما نمی‌افزودند و به سرعت خود را میان شما می‌انداختند و در حق شما فتنه‌جویی می‌کردند و در میان شما جاسوسانی دارند که به نفع آنان اقدام می‌کنند، و خدا به حال ستمکاران داناست» (توبه، ۴۷).

خداوند در آیه ۴۶ این سوره، گزارش می‌کند که منافقین اگر برای یاری لشکر اسلام و جهاد با کفار در رکاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، اراده و رغبتی داشتند، برای خروج آماده می‌شدند، اما آنان چنین نیتی نداشتند (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۲۳۰)، سپس در آیه ۴۷ چنین بیان می‌شود که اگر هم بر فرض که به همراه شما خارج شوند، کاری جز فسادورزی ندارند و با جاسوسانی که در صفوف مسلمانان داشتند، علیه آنان اقدام می‌کردند: «وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ». یکی از معانی که شیخ طوسی برای «سماعون» بیان می‌کند، آن است که منافقان، جاسوسانی داشتند که اخبار مسلمانان را برای

مشرکین نقل می کردند: «لهم عیون منهم ینقلون أخبارکم الی المشرکین» (ر.ک. شیخ طوسی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۲۳۱). زمخشری نیز در این باره می گوید، منظور آن است که در میان مسلمانان، سخن چینی وجود داشته است که حدیث و گفتار آنان را می شنیده و به مشرکین انتقال می داده اند: «نَمَامُونَ یَسْمَاعُونَ حَدِیْثَکُمْ فِیَنْقَلُونَهُ إِلَیْهِمْ» و یا افرادی هستند که سخن منافقین را گوش می کنند و پیرو آنان هستند: «أَوْ فِیکُمْ قَوْمٌ یَسْمَاعُونَ لِّلْمُنَافِقِیْنَ وَ یَطِیْعُونَہُمْ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۷).

پس این امر را می توان دریافت که منافقان در میان مسلمانان، جاسوسان و خبرکشانی داشته اند و در پی خرابکاری بوده اند؛ جالب آن که در آیه شریفه، فتنه انگیزی و جاسوسی، در کنار هم قرار گرفته اند (ر.ک. سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۴۷). حال آیا حضرت محمد ﷺ، به عنوان حاکم اسلامی، باید در مقابل این گروه - که به دنبال فتنه انگیزی و اختلاف در میان مسلمانان هستند - ساکت و منفعل باشد و هیچ عملی را انجام ندهد. طبیعی است که برای حفظ جامعه اسلامی از آشوب آفرینی، باید سامانه ای طراحی کند و افرادی را به کار گیرد تا در میان دشمنان حضور داشته باشند و از نقشه ها و روابط خصوصی آنان آگاهی یابند و در زمان مقتضی، علیه آنها اقدام کنند و نمی توان آن را صرفاً به عرصه جنگ محدود کرد؛ چه بسا دشمنان در حالت صلح و در خانه نشسته اند و در حال توطئه برای دولت اسلامی باشند. بنابراین، لازمه مقابله با نقشه دشمنان، ایجاد امنیت و خبرداری از مسائل و امور پنهان آنان، تشکیل نظام اطلاعات و اخبار است و در مواردی چاره ای نیست مگر آن که حاکم اسلامی و کارگزاران او در عرصه خصوصی تخریب گران امنیت و توطئه چینان نیز ورود کنند و از مقدمه چینی ها و مخفی کاری های دشمن مطلع شوند.

۱-۲-۲. آیه آمادگی همه جانبه در برابر دشمن

در آیه ای دیگر خداوند به مسلمانان دستور می دهد که هر قدر می توانید در برابر دشمن قوی گردید و نیرو و ابزار جنگی را فراهم آورید تا دشمن خدا به هراس افتاد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الرِّحَالِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ الْآخِرِينَ

مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این (تدارکات)، دشمن خدا و دشمن خودتان و (دشمنان) دیگری را جز ایشان - که شما آنان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید» (انفال، ۶۰).

«قوه»، شامل هر توان و نیرویی می‌شود که رزمندگان با آن در جنگ، تقویت می‌شوند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲). کلمه «قوه»، به معنی هر آن چیزی است که موجب تقویت در جنگ می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹). هر آن چه که با آن عملی از اعمال انسان ممکن می‌شود و آن در جنگ و جهاد، شامل هر چیزی می‌شود که با آن، جنگ اداره می‌شود؛ از انواع اسلحه، مردان کارورزیده و تشکیلات نظامی است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۱، ج ۹، صص ۱۱۴-۱۱۷). اصل و ریشه «رباط»، ملازمت و مواظبت بر امر و نگهداری از مرزهاست. «مرباط» آن است که هر یک از دو طرف جنگ، برای حفظ آمادگی، گروهی را بر سر مرزها بفرستد. لذا به مقرر در کنار مرزها گفته می‌شود «رباط» (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۴۸). جمله «ما استطعتم» عام و کلمه «قوه» به صورت «نکره» آمده و عمومیت آن را تقویت می‌کند و لذا هر گونه نیرو و ابزارهای آمادگی در نبرد را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۲۴). به نظر می‌رسد که آمادگی تا حد توان در نیروی نظامی، در همه قوای عقیدتی، علمی، سیاسی، اقتصادی و مانند آن و اسب‌های آماده که امروز سلاح‌های خودکار را شامل می‌شود، برای ترساندن دشمنان شما و دین خداست تا آن که طمع به رویارویی با شما پیدا نکنند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۴). طبعاً زمان پیامبر، آمادگی دفاعی، شامل «رباط الخیل» می‌شده است و روح آیه و فرمان خداوند، حکایت از آمادگی دفاعی و بالابودن قدرت رزمی بوده است، هر کدام به فراخور زمان خود (سیدباقری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳).^۱ پس خدای متعال در این آیه، مسلمانان را دستور می‌دهد تا هر آن چه را که توان دارند به کار گیرند تا دشمن، به هراس افتد. باری هدف همه این ابزار و نیروها برای ترساندن دشمن و عدم مداخله آنان در جامعه اسلامی است. در این جامعه، منافقان، نیروهای نفوذی، سودجویان، خودمحروران و امنیت‌زدایان،

۱. برای تفصیل بحث رجوع کنید به: سیدباقری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳.

همه دشمن به شمار می‌آیند و طبق این آیه، باید با افزایش قدرت مسلمانان، به جان‌شان ترس و وحشت انداخت. واقعیت آن است که در برخی مواقع، دشمن بیش از نیروی ظاهری از نیروی قوی و کارآمد پنهان و اطلاعاتی می‌ترسد که در روندی دقیق و سنجیده، از اطلاعات آنان آگاهی می‌یابد و نقشه‌های آنان را نقش بر آب می‌کنند. لذا از لوازمی که می‌تواند دشمن را بترساند، وجود نظام‌های اطلاعاتی و استخباراتی است. اگر دشمن حس کند که نیرویی قوی و توانمند حرکات او را رصد و پی‌جویی می‌کند و اجازه نمی‌یابد تا هرگونه که می‌خواهد تصمیم بگیرد و عمل کند، ترسی تخریب‌گر بر او حاکم خواهد شد. طبیعی است که این‌گونه نیروها باید در عرصه‌های پنهان و حریم‌های شخصی برخی از خرابکاران وارد شوند و از سخنان و تصمیم‌های آنان با اطلاع شوند تا بتوانند جلوی فسادورزی آنان را بگیرند.

بنابراین، «مطابق این معنا، داشتن نظام اطلاعاتی در حکومت اسلامی برای شناسایی اهداف و تحرکات دشمن یکی از اساسی‌ترین ابزارهای آمادگی به‌شمار می‌رود. مسلمانان در فتح مکه، با وجود آنکه از قدرت بالایی برخوردار بودند، باز هم از نیروهای اطلاعاتی استفاده کردند؛ به‌طوری که فتح مکه در سه مرحله انجام گرفت: نخست، مرحله مقدماتی؛ یعنی فراهم کردن قوا و جمع‌آوری اطلاعات کافی از موقعیت دشمن و کم‌وکیف نیروی جسمانی و روحیه آنها بود که این مهم، بدون داشتن جاسوسان و نیروهای ویژه امکان‌پذیر نیست. مرحله دوم، مقام انجام بسیار ماهرانه فتح بود و در نهایت، مرحله پیامدها و آثار آن بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲۷، ص ۴۰۳).

۱-۳. روایات

تاکید گردید که گستره اختیارات نظام اسلامی، در صورت ضرورت، به عرصه خصوصی دشمنان داخلی و خارجی و اخلاص‌گران امنیت و یا کارگزارانی که قدرتی در اختیار دارند، محدود می‌شود؛ نه شهروندان عادی که إخلالی در امور انجام نمی‌دهند. اصولاً این کار حرام است. بر این اساس، یکی از وظایف حکومت اسلامی، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جلوگیری از اختلال در امور جامعه است تا روند امور به

شایستگی انجام گیرد؛ امام علی علیه السلام، دربارهٔ وظیفهٔ حکومت به این امر اشاره دارد که حکومت برای رقابت و دستیابی به قدرت نبوده است، بلکه هدف آن بوده که آموزه‌های دینی اجرایی گردد، اصلاح در شهرها آشکار گردد و ستم‌دیدگان، امنیت یابند و حدود اجرا شود: «فَيَأْمَنُ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹).

ساحتی از اختیارات نظام اسلامی در حریم خصوصی، رسیدگی و مراقبت از کارگزاران است و نظارت و مراقبت برای آن است تا از قدرت و ثروتی که در اختیارشان قرار گرفته است، استفاده نادرست نکنند؛ امری که عقل و شرع به آن حکم می‌کند. در سیره نبوی نقل شده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله هر گاه لشکری به جایی گسیل می‌کرد و کسی را امیر آنان می‌ساخت، همراه امیر لشکر، از افراد زبده و دارای اعتماد، به‌عنوان جاسوس می‌فرستاد، تا اخبار و رفتار او را برای آن حضرت، گزارش کند، از امام رضا علیه السلام چنین نقل است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا وَجَّهَ جَيْشًا فَأَمَّهُمْ أَمِيرًا، بَعَثَ مَعَهُ مِنْ نِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۲)^۱ آن فرد یا افراد از امور امیر جستجو می‌کردند. طبعاً لازمه این جستجو، گاه مربوط به دخالت در عرصه خصوصی آن فرد بوده است. «انواع تجسس در مواردی که به حفظ لشکر مسلمانان از دشمن و غافل‌گیری آنان بیانجامد، نیکو شمرده شده است؛ زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله، به جنگ‌ها، جاسوس می‌فرستاد و می‌فرمود که جنگ، خدعه و فریب است» (ملاحویش آل‌غازی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۳۵۰).

به تناسب همین امر، امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر، تاکید دارد که باید ناظرانی وجود داشته باشند تا بر رفتار کارگزاران نظارت کند: «وَ ابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهِدَكَ فِي السَّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُّوهُ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ

۱. همچنین ر.ک: مجلسی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۰۰، ص ۶۱. در روایتی مشابه از امام رضا علیه السلام نقل است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَأَمَّهُمْ أَمِيرًا بَعَثَ مَعَهُ مِنْ نِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که لشکری را می‌فرستاد و امیری بر آنها می‌گماشت که ممکن بود مورد اتهام واقع شود، همراه او از افراد مورد اعتماد را می‌فرستاد تا اخبار او را جستجو کند» (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۶۰).

بِالرَّعِيَّةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ به کارهای کارگزاران، رسیدگی کن و جاسوسانی راستگو و وفایه بر آنان بگمار؛ زیرا بازرسی پنهانی تو از کارهای آنان، سبب امانت‌داری ایشان و مدارای با رعیت است.

هم تاکید می‌شود تا بر اعمال و رفتار کارگزاران مراقبت شود و گماشتگانی نظارت کنند که طبعاً لازمه این نظارت در برخی مواقع و مواضع، دخالت در عرصه خصوصی آنان است. در نامه ۴۳ نهج البلاغه آمده است که حضرت خطاب به «مصقله بن هبیره شیبانی» فرمود: «بَلَّغْنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَشْحَطْتَ إِلَيْهِكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۳)؛ گزارشی از تو به من رسیده است که اگر آن کار انجام داده باشی، خدایت را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای. از لوازم گزارش‌رسانی، وجود نیروها و افرادی بوده که اخبار کسب کنند و گاه در امور افراد دخالت کنند تا بتوانند اخباری را به دست آورند.

با توجه به آن‌چه گذشت، می‌توان بیان کرد که گاه «برای پیدا کردن گنهکاران واقعی و مزدوران دشمن، چاره‌ای جز جستجوی وسیع در تمام مواردی که احتمال آن وجود دارد، نمی‌باشد؛ حتی گاه لازم می‌شود، جاسوسانی در لباس مختلف به میان دشمنان بفرستند یا در مؤسسات مهم داخلی افرادی در قالب کارمند و کارگر و نظافت‌چی و مانند آن مبعوث کنند تا اگر بذرفتنه‌ای پاشیده شده و توطئه‌ای در حال شکل‌گرفتن است، پیش از آن‌که آتش آن زبانه کشد و مصالح امت را در کام خود فرو برد، در نطفه خفه و خاموش کنند؛ البته مفهوم این سخن آن نیست که این امر بهانه‌ای شود برای دخالت در زندگی خصوصی همه افراد و افشای اسراری که هیچ‌گونه ارتباطی با مصالح امت ندارد؛ هرچند متأسفانه از این اصل عقلایی همیشه سوء استفاده‌هایی شده است. با توجه به این‌که این یک حکم استثنایی است، باید دقیقاً در مواردی که فلسفه آن وجود دارد، دنبال شود و حتی یک قدم فراتر از آن رفتن جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۵۴).

امام خمینی در کنار توجه و هشدار به رعایت حریم خصوصی شهروندان و التزام کارگزاران نظام اسلامی به عدم دخالت، تاکید داشت که باید جلوی سوءاستفاده‌ی

سودجویان گرفته شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۶۲). مهم در این حوزه، آن است که باید از نگاه کاریکاتوری و تک‌ساحتی به اسلام و آموزه‌های فقهی آن جلوگیری کرد. امام بر نگاه جامع به اسلام و در نظر گرفتن همه ابعاد آن تاکید داشت. در هر صورت، تمام قطب‌های اسلام را باید ما ملاحظه بکنیم؛ هم آن جهاتی که نباید پاسدار و پاسبان، به مردم تعدی بکنند و نباید آنها هم خیال بکنند که پس ما هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم. هم کارگزاران نباید در داخل خانه‌های مردم بروند، ببینند توی خانه چه می‌گذرد؛ هم نباید افراد را به حال خود رها کرد تا هر گونه که می‌خواهند کار تشکیلاتی انجام دهند. لذا اگر معلوم شد که کسی عشرت‌کده‌ای یا میکده‌ای، یا محل قماری درست کرده، این‌ها ممنوع باید باشد و هرگز نمی‌شود اینها را غمض عین کرد، اما باز در همین مساله تاکید دارد که اگر تو خانه خودشان، یک کاری کردند، ما نمی‌رویم تفتیش بکنیم. اما اگر مرکز درست بکنند و بخواهند در یک مرکزی یا یک خانه‌ای را اختصاص به این مساله بدهند، برخلاف اسلام است، باید جلوی‌ش گرفته بشود (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۶۳). یکی از نظریه‌پردازان نظریه انتخاب نیز معتقد است که تجسس و تفتیش از امور خصوصی، تنها در موردی جایز و بلکه واجب است که افراد ضد اسلام، نظام و مصالح عمومی حرکتی انجام دهند (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۸۱).

یکی از فقهای معاصر، ذیل عنوان: «ترجیح المصالح العامه علی المصالح الخاصه»، می‌نویسد، «کسی که در آن نصوص و قرائنی که نهی از جاسوسی می‌کند و حرام می‌شمارد، تامل کند، درمی‌یابد که آنها ویژه رازهای فردی هستند و ربطی به مصالح امت اسلامی ندارد؛ ولكن المتأمل فی تلك النصوص والقرائن الحاقه بها یجد أن هذا النهی والتحریم یختصان بالأسرار الفرديه التي لا تمتّ إلى المجتمع بصله، ولا ترتبط بمصالح الامه بوشیجه»؛ پس آن‌گاه که مساله به مصالح عمومی پیوند یابد، نمی‌توان اسرار فردی را در نظر گرفت و بدیهی است که مصلحت عامه بر مصلحت خاصه ترجیح می‌یابد. سپس ایشان این امر را از اموری بدیهی می‌داند که اگر لحاظ نشود، موجب تهدید کیان امت اسلامی می‌شود: «إذ من البدیهی فی تلك الصوره أن ترجیح المصالح العامه علی المصالح الخاصه» (سبحانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۴۲).

در جمع‌بندی ادله عقلی و نقلی، با توجه به آنچه گذشت، می‌توان دریافت که حاکم اسلامی و کارگزاران نظام اسلامی، در گام اول، به هنگام ضرورت و اضطرار؛ در گام دوم، با رعایت مصلحت و صلاح جامعه اسلامی؛ در گام سوم، برای حفظ امنیت جامعه، در امان‌بودن از تعرض تبهکاران و متجاوزان و حفظ جان و مال و آبروی شهروندان؛ در گام چهارم، با اجازه قانونی و در گام پنجم، در موارد خاص و محدود، می‌توانند در عرصه خصوصی دشمنان یا شهروندانی که حریم خود و جامعه را می‌شکنند، به قدر ضرورت، وارد شوند. این اجازه و گستره اختیار، محدود به عدم دخالت در اموری می‌شود که شارع به‌طور خاص از آن نهی کرده است؛ مثل روابط شخصی خانوادگی.

۲. گام‌هایی برای طراحی ضابطه‌مندی اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی

یکی از وظایف تشکیل دولت اسلامی آن است تا در کنار اجرای حدود و قوانین الهی، مردم بتوانند در آسایش و آرامش زندگی کنند؛ امری که انجام نمی‌شود، مگر آن که شهروندان باور و اعتماد کامل داشته باشد که کسی در زندگی و حریم خصوصی آنان دخالت نمی‌کند. با در نظر گرفتن این مهم است که در فقه و دولت اسلامی، «حاکمی که حکومتش بر پایهٔ اسلام و ارادهٔ مسلمین، استوار شده است، به ناچار دستگاه امنیتی و استخباراتش، باید وسیلهٔ امن و آرامش برای مسلمین و پای‌بندان به موازین اسلامی باشد؛ بدون هرگونه ترس و وحشتی و اصل اساسی نزد مسئولین و کارگزاران حاکم اسلامی، باید دوستی مسلمین و حسن‌ظن به آنان باشد و اعمال آنان را حمل بر درستی کنند، مگر آن که با دلیل شرعی، عکس آن اثبات شود (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۹۱). لذا همان‌گونه که بایسته است تا فرایندی تعریف و طراحی گردد که اصولاً کارگزاران نظام اسلامی نتوانند و اجازه نداشته باشند تا در این قلمرو دخالت کنند؛ روندی دیگر نیز باید طراحی شود تا در صورت ضرورت، ضوابطی بر دخالت، حاکم گردد و جلوی ورودهای فردی، غرض‌ورزانه و خودسرانه گرفته شود. اهمیت این امر از آن‌جا است که عرصه خصوصی، حوزه‌ای نحیف و کم‌توان است که به پشتیبانی دولت اسلامی نیاز

دارد؛ پس چاره‌ای نمی‌ماند جز آن‌که سامانه‌ها و روندهایی طراحی شود تا گستره اختیارات و دخالت‌ها، منضبط و قابل مهار گردد. برای رسیدن به این مهم، چند گام اساسی باید برداشته شود که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۲. گزینش نیروهای صالح

واقعیت‌های دنیای سیاست به ما بیان می‌کنند که برخی از کارگزاران نظام‌های سیاسی در دنیای امروز، در زندگی خصوصی شهروندان، دخالت می‌کنند؛ حال گاه فضولانه و غیرقانونی و غیرشرعی است و گاه قانونی. لذا یکی از چالش‌های مهم در حوزه اختیارات دولت اسلامی در عرصه خصوصی، ورود عناصر خودسر و مهارناپذیر در زندگی شهروندان است. یکی از اساسی‌ترین اقدام‌ها در ضابطه‌مندی اختیارات نظام اسلامی و کارگزاران آن و عدم دخالت خودسرانه در عرصه خصوصی شهروندان، گزینش نیروهای صالح و شایسته است که اگر فرد، صالح نباشد، به هر طریق ممکن، خلاف شرع و قانون عمل می‌کند و راه گریز می‌یابد. «امام علی علیه السلام تاکید داشت تا دستگاهی مراقب رفتار کارگزاران و صاحب منصبان وجود داشته باشد و سفارش می‌دارد بر این که کسانی برای آن امر گزینش شوند که بتوان به اخبار آنان اعتماد کامل کرد و به گزارش‌هایی که از کوتاهی یا خیانت، می‌دهند، بتوان بسنده کرد و این امر؛ یعنی افراد دستگاه اطلاعاتی از افراد صالح باشند» (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۴۴).

۲-۲. توجه به ضوابط دخالت نظام اسلامی در عرصه خصوصی

اصولی مانند: اصل عدم ولایت و اصل عدم جواز مداخله در زندگی خصوصی شهروندان و مبنای لزوم حفظ کرامت انسان، لزوم عدالت‌ورزی و حرمت ظلم و احکامی مانند: وجوب حفظ آبروی مومن، حرمت تفتیش از زندگی دیگران و وظیفه دولت اسلامی در حفظ امنیت روانی، جانی و مالی شهروندان؛ همه بر عدم جواز ورود به عرصه خصوصی شهروندان دلالت دارد، اما با توجه به ادله‌ای که ذکر شد و با توجه به قاعده «أهم و مهم»، اگر به هر دلیلی، اجازه ورود به عرصه خصوصی شهروندان،

صادر شود، باید روندی کاملاً ضابطه‌مند و قانونی داشته باشد تا جلوی مداخله‌های خودسرانه و بی‌ضابطه گرفته شود؛ امری که در عرصه قدرت، به‌ویژه آن‌گاه که بدون مهار باشد و اخلاق نیز نقشی بازی نکند، بسیار محتمل است. لذا کارگزاران نظام اسلامی تنها آن‌گاه که بحث از عمل به قاعده بنیادین «أهم و مهم» به میان آید و برای حفظ اسلام و نظام اسلامی، مصالح عمومی، امنیت جامعه، استقلال و منافع ملی مرتبط است، با طی مراحل قانونی، در چارچوب مقررات ویژه، با رعایت عدالت و به مقدار ضرورت، آن هم در خصوص همان مساله‌ای که مجوز دارند، حق دخالت در عرصه خصوصی شهروندان را دارند؛ امری که عقل سلیم و شرع، به آن حکم می‌کند.

۲-۳. ضرورت وضع قوانین سخت‌گیرانه

برای رسیدن به ضابطه‌مندی اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی، باید قوانینی شفاف و غیرقابل توجیه و تفسیر، طراحی شود تا همه جوانب و ساحت‌های ورود به عرصه خصوصی و چگونگی آن را در نظر گیرد، هم دقیق مشخص سازد که در چه موقعیتی و وضعیتی می‌توان دخالت کرد؛ حد و مرز آن تا کجاست و هم معین گردد که اگر کسی از آن حد، تجاوز کرد، دچار چه عوارض و عواقبی می‌شود. ناظر به امر قانون‌گریزی بوده است که امام خمینی علیه‌السلام، درباره رفتار نیروهای خودسر، می‌گوید؛ آدم‌های جاهلی هستند که به خیال خودشان، برای اسلام، خدمت می‌کنند، لکن سرخود کارهایی می‌کنند که ضرر به حیثیت اسلام می‌خورد؛ همان‌طوری که در رژیم سابق، بدون میزان اسلامی و شرعی عمل می‌کردند، حالا هم بدون میزان شرعی و عقلی عمل می‌کنند و این تأسف بسیار دارد. سپس ایشان توضیح می‌دهد که این‌گونه افراد می‌گویند: انقلاب کردیم و هر کاری دلمان می‌خواهد، می‌کنیم. اشخاصی می‌ریزند تو خانه‌های مردم، بدون این که یک مجوز شرعی، یک مجوز قانونی داشته باشند، حجت‌شان این است که انقلاب کردیم. وی در ادامه تأکید دارد که باید همه‌جا قوانین اسلام حاکم باشد و از رفتارهای خودسرانه برخی از افراد به‌ظاهر انقلابی، اظهار خستگی می‌کند و می‌گوید: «من هم خسته دارم می‌شوم. خدا می‌داند که من در رژیم سابق،

هیچ وقت از هیچ چیز خسته نمی شدم؛ هر فشاری می آوردند بر من خسته نمی شدم، حالا دارم از خودمان خسته می شوم» (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۳۱۶).

۲-۴. تصمیم‌گیری جمعی

تصمیم‌های فردی غالباً همراه با خطا، عدم تشخیص درست مساله، تاثیرپذیری از امیال، احساسات و عواطف و تک‌سونگرانه است. در مواردی که کارگزاری بخواهد به‌طور فردی درباره امری خطیر؛ مانند عرصه خصوصی تصمیم بگیرد، هر آینه امکان دارد که این مشکلات و چالش‌ها رخ نماید و تصمیم‌ها، ناپخته گرفته شود. «در بسیاری از موارد، اگر موضوع به تشخیص فردی قضات محاکم و دادسراها واگذار گردد، ممکن است در تشخیص اَهم دچار خطا شوند، یا ملاحظات خاص موردنظر آنها از جمله؛ حفظ قدرت و جایگاه شخصی یا حفظ اصل نظام آنها را به مداخله‌های ناروا در حریم شخصی افراد، متقاعد نماید (آقابابایی، ۱۳۹۶، ص ۳۰۰). لذا یکی از گام‌های مهم در این باره آن است تا تصمیم‌ها جمعی باشد و گروهی از متخصصین و زبده‌گان این عرصه برای ضرورت دخالت، مقدار و میزان آن و ضوابط دقیق آن، تصمیم‌گیری کنند و قانون صریح و مصادیق آن در این موارد معین گردد.

۲-۵. تعیین حد و مرز ضوابط اضطرار، ضرورت و مصلحت

بیان شد که گاه برای حفظ امور اَهم جامعه؛ مانند امنیت و عدالت، چاره‌ای جز گستردن اختیارات نظام اسلامی در عرصه خصوصی شهروندان نیست، اما تعیین مرزهای دخالت و تشخیص موارد اضطرار، ضرورت و مصلحت از مسائلی اساسی است که باید تبیین و تدقیق گردد تا هر کسی به تشخیص شخصی خود نتواند به بهانه ضرورت و مصلحت در زندگی شهروندان وارد شود و حقوق دیگران را زیر پا گذارد. مصلحت، آن «امری است که موافق مقاصد دنیایی، اخروی یا هر دوی آنها برای انسان باشد و نتیجه آن، به‌دست آوردن سود یا دفع مفسده بود» (حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۱). در این رویکرد، نگاه به مصلحت معمولاً همراه با حفظ دین، نفس، عقل، نسل، آبرو و مال بوده

است که اموری بنیادین برای حفظ عرصه و زندگی خصوصی هستند و تعیین حد و مرزهای آن توسط کارشناسان خبره، برای حفظ این موارد و تامین حقوق شهروندان است. با توجه به این مهم بوده است که اصولاً در مصلحت، بحث از تزامم احکام و مصلحت جامعه و نظام اسلامی طرح می‌شود و تشخیص آن نیز کار هر نوآموزی در عرصه قدرت نیست. طبعاً لحاظ مصلحت در خوانش ولایت مطلقه فقیه و در قالب فقه حکومتی معنادار می‌شود و اگر بنا باشد که دخالت، صرفاً هنگامی جایز باشد که امور به حد ضرورت و اضطرار، رسیده باشد، هر آینه ممکن است که مصلحت جامعه اسلامی از میان برود و آن را دچار چالش و بی‌نظمی کند، اما با اختیارات ولایت مطلقه، برای تامین امنیت و آرامش جامعه، کارگزاران نظام اسلامی می‌توانند، با لحاظ مصلحت جامعه و شرایطی که بیان شد، در عرصه خصوصی شهروندان دخالت کنند.

۲-۶. تعیین مصادیق و موارد دخالت

همچنین باید دقیق مشخص شود که تا کجا و تا چند اندازه دخالت انجام گیرد؛ گاه ممکن است که کارگزاری برای کشف مواد مخدر یا مهمات اجازه ورود به خانه یا محلی را پیدا کند، اما باید مشخص گردد که او دیگر اجازه سرکشی به آلبوم یا رایانه یا ذخایر داده‌ها و اطلاعات آن فرد را ندارد. با توجه به همین مهم بود که امام خمینی در بیانیه هشت ماده‌ای که می‌توان آن را تلاشی برای حفظ حقوق شهروندی دانست، بر تعیین این حد و مرزها و ضابطه‌مندی دخالت تاکید دارد. ایشان ضمن تایید برخورد قاطع با توطئه‌گران، گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی، براندازان و تروریست‌های مردم بی‌گناه کوچه و بازار؛ اما بایستگی احتیاط کامل و تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها بودن را گوشزد می‌کند؛ چراکه تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آن افراد نیز جایز نیست؛ اما باز در ادامه، گویی برای شفافیت بیشتر و تعیین حد و مرز به این مهم می‌پردازد که مؤکداً تذکر داده می‌شود؛ اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت

لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند؛ چراکه اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد، هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی، ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۱). امام با آن‌که به نظریه ولایت مطلقه فقیه باور دارد، اما این قلمرو و گستره را این چنین محدود و حساس تفسیر می‌کند. امری که می‌تواند در کنار جلوگیری از تجاوزها، تعرض‌ها و ناامنی‌ها، درصدی از ورود خودسرانه افراد و کارگزاران را بگیرد.

نتیجه‌گیری

یکی از دشواری‌ها در هر نظام سیاسی، حفظ حریم خصوصی شهروندان است؛ امری که در دوران جدید با توجه به توان‌مندی‌های فن‌آورانه، دخالت را راحت‌تر، پیچیده‌تر و مرموزتر کرده است. از آن‌جا که در میان کارگزاران نظام‌های سیاسی، غالباً نوعی از تراکم قدرت و گاه ثروت وجود دارد، هر آینه امکان دارد که به وسوسه شیطان و از روی هوای نفس یا اغراض شخصی، فردی به زندگی شهروندان، سرک بکشد، لذا برای جلوگیری از این امر، به نظر می‌رسد هم باید به تقویت ایمان در میان صاحب‌منصبان پرداخت تا حتی با امکان سوءاستفاده از قدرت خویش از آن بهره نبرند و هم باید سامانه قدرت و اعمال آن، به گونه‌ای طراحی شود که به‌سادگی امکان دخالت وجود نداشته باشد و یا اگر کسی دخالت کرد، چندان برای فرد هزینه‌بر باشد که از آن صرف‌نظر کند.

اگر در نهان شهروندان، چنین تصویری شکل گیرد که کسی یا نهادی، زندگی و رفتارها و گفتارهای آنان را رصد کرده و در زندگی آنان، دخالت می‌کند، آشفتگی روانی، ترس و خفقان جامعه را در خود فرو می‌برد. طبعاً این حس، امنیت روانی را در ذهن و ضمیر آنان نابود می‌کند و سوءظن و بی‌اعتمادی را بر روابط سیاسی-اجتماعی حاکم می‌سازد. لذا یکی از وظایف دولت اسلامی آن است تا با به‌کارگیری

سازکارهایی قانونی و بر اساس آموزه‌های شرعی، روند امور جامعه را به گونه‌ای تنظیم کند که حریم خصوصی شهروندان حفظ گردد و مردم در نهان و خلوت خویش، احساس آرامش کنند. دولت‌ها، بالاترین قدرت سیاسی-اجتماعی جوامع را در اختیار دارند و می‌توانند بهتر از دیگر نهادهای اجتماعی، جامعه را به سوی حفظ قانون و رعایت حقوق دیگران هدایت کنند. دولت با بهره از انواع گوناگون قدرت و اقتداری که در اختیار دارد، می‌تواند برای حفظ حریم شهروندان، الگوهای مطلوب را ترویج سازد و برای براندازی روش‌های ناخوشایند، برنامه‌ریزی کند.

از دیگر سو، اشاره شد که همیشه بدخواهان، بدکاران و بزه‌کارانی هستند که به حق خود قانع نبوده و حاضرند برای دستیابی به منافع شخصی و گروهی، دست به هر کاری بزنند و امنیت جامعه اسلامی را زیر پا گذارند؛ گاه برای رویارویی با آنان، راهی جز ورود به عرصه خصوصی آنان نیست. هم‌چنان که برای مقابله با جرم‌های سازمان‌یافته، شبکه‌های فساد، گروه‌های مُخَرَّب و ویران‌گران امنیت جسمی و روانی جامعه اسلامی، باید به قلمرو پنهانی آنان وارد شد. مهم در این گستره، رعایت اعتدال و دوری از زیاده‌روی و کمینه‌روی است؛ نه باید بی‌محابا به زندگی خصوصی مردم وارد شد و نه باید فسادکاران و اخلال‌گران نظم و امنیت را به خود وا گذاشت. «کوتاه سخن این که هرگونه افراط و تفریط در این مسأله سبب انحراف از تعلیمات اصیل اسلام می‌شود و به تعبیر دیگر، نه می‌توان به بهانه حرمت تجسس، از تحقیق و تفحص در مسائل سرنوشت‌ساز جامعه اسلامی دور ماند و مصالح امت را در برابر توطئه‌های دشمن، بی‌دفاع ساخت و نه می‌توان به بهانه مصالح امت، هجوم به زندگی خصوصی مردم که هیچ ارتباطی با آن امور ندارد، برد؛ هر دو اشتباه است و موارد خارج از اسلام» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۵۸). مهم آن است که شهروندان باید در جامعه اسلامی احساس امنیت کنند و آرامش را لمس کنند؛ هر امری که این آرامش را بر هم زند، باید از آن جلوگیری کرد؛ اعم از آن که گستره اختیارات نظام اسلامی به عرصه خصوصی شهروندان، تسری یابد یا آن که دشمنان و امنیت‌زدایان جامعه به حال خود رها شوند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آقابابایی، حسین. (۱۳۹۶). حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۹۸۸م). لسان العرب. بیروت: دارالجيل.
۳. استونز، راب. (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه شناسی (مترجم: مهرداد میردامادی). تهران: نشر مرکز.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۵. حسینی شیرازی، سیدمحمد. (۱۴۲۶ق). الفقه، السلم و السلام (چاپ اول). بیروت: دارالعلوم للتحقیق و الطباعة.
۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۰۳ق). شرایع الاسلام. بیروت: دارالاضواء.
۷. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد (چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البیت.
۸. خرازی، سیدمحسن. (۱۳۸۰). کاوشی در حکم فقهی تجسس. فصلنامه فقه اهل‌بیت، (۲۶)، صص ۵۲-۱۴۲.
۹. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (چاپ سوم). بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۰. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۱ق). مفاهیم القرآن. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه‌السلام.
۱۱. سیدباقری، سید کاظم. (۱۳۸۸). قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. سیدباقری، سید کاظم. (۱۳۹۸). ضوابط دخالت نظام اسلامی در عرصه خصوصی شهروندان از منظر فقه سیاسی شیعه. دوفصلنامه فقه حکومتی. (۷)، صص ۲۹-۵۳.

۱۳. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور (چاپ اول). قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۴. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (محقق: للصبحی صالح) (چاپ اول). قم: هجرت
۱۵. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن (چاپ اول). قم: نشر مؤلف.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۷. طبرسی فضل بن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۸. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (چاپ سوم). تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن (مقدمه: شیخ آغا بزرگ تهرانی، محقق: احمد قصیر عاملی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. عبدالقادر، ملاحویش آل غازی. (۱۳۸۲). بیان المعانی (چاپ اول). دمشق: مطبعه الترقی..
۲۱. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۹۲). بحار الانوار. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۳. منتظری نجف آبادی، حسین علی. (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه (چاپ دوم). قم: نشر تفکر.
۲۴. موسوی الخمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
25. Susan E. Gallagher. (2017). *Introduction to "The Right to Privacy" by Louis D. Brandeis and Samuel Warren: A Digital Critical Edition*, University of Massachusetts Press.

References

* The Holy Quran

1. Abdul Qadir, M. (1382 AP). *Bayan al-Ma'ani*. (1st ed.). Damascus: Matba'ah al-Taraqi. [In Persian]
2. Aghababaei, H. (1396 AP). *Privacy in Islamic Criminal Law*. (1st ed.). Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
3. Hamiri, A. (1413 AH). *Qurb al-Asnad*. (1st ed.). Qom: Alulbait Institute. [In Arabic]
4. Heli, H. (1403 AH). *Shara'e al-Islam*. Beirut: Dar Al-Azwa. [In Arabic]
5. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Tafsir Wasa'il al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Shaiyah*. (1st ed.). Qom: Alulbait Institute. [In Arabic]
6. Hosseini Shirazi, S. M. (1426 AH). *Al-Fiqh, al-Salm va al-Salam*. (1st ed.). Beirut: Dar al-Olum le al-Tahqiq va al-Taba'ah. [In Arabic]
7. Ibn Manzur, M. (1988). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Al-Jalil.
8. Kharazi, S. M. (1380 AP). Exploration of the jurisprudential ruling of spying. *Quarterly Journal of Ahl al-Bayt jurisprudence*, (26), pp. 52-142. [In Persian]
9. Majlesi, M. B. (1392 AP). *Bihar al-Anwar*. Tehran: al-Maktabah al-Islamiyah. [In Persian]
10. Makarem Shirazi, N. (1385 AP). *Ethics in the Quran*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School. [In Persian]
11. Montazeri Najafabadi, H. A. (1409 AH). *Dirasat fi Wilayat al-Faqih va Fiqh al-Dowal al-Islamiyah*. (2nd ed.). Qom: Tafakor Publications. [In Arabic]
12. Mousavi Khomeini, S. R. (1378 AP). *Sahifeh Imam*. Tehran: Institute for Publications of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
13. Sadeghi Tehrani, M. (1419 AH). *Al-Balagh fi Tafsir al-Qur'an be al-Qur'an*. (1st ed.). Qom: Mu'alef publication. [In Arabic]
14. Seyed Bagheri, S. K. (1388 AP). *Political power from the perspective of the Holy Quran*. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
15. Seyed Baqeri, S. K. (1398 AP). Criteria for the involvement of the Islamic system in the private arena of citizens from the perspective of Shiite political

- jurisprudence. *Bi-Quarterly Journal of Governmental Jurisprudence*. (7), pp. 29-53. [In Persian]
16. Sharif al-Radhi, M. (1414 AH). *Nahj al-Balaghah*. (Le al-Sobhi Salih, Ed.). (1st ed.). Qom: Hijrat. [In Arabic]
17. Sobhani, J. (1421 AH). *Concepts of the Qur'an*. Qom: Imam Al-Sadiq Institute. [In Arabic]
18. Soyouti, J. (1404 AH). *al-Dur al-Manthur fi Tafsir al-Ma'athur*. (1st ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
19. Stones, R. (1379 AP). *Great thinkers of sociology* (M. Mirdamadi, Trans.). Tehran: Markaz Publications. [In Persian]
20. Susan E. Gallagher. (2017). *Introduction to "The Right to Privacy" by Louis D. Brandeis and Samuel Warren: A Digital Critical Edition*, University of Massachusetts Press.
21. Tabarsi, F. (1377 AP). *Tafsir Jawam'I al-Jame'*. (1st ed.). Tehran: University of Tehran Press and Qom Seminary Management. [In Persian]
22. Tabatabaei, S. M. H. (1381 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Ismailian Press Institute.
23. Tarihi, F. (1375 AP). *Majma' al-Bahrain*. (3rd ed.). Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Persian]
24. Tusi, M. (1423 AH). *Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran*. (Introduction: Sheikh Aghabzorg Tehrani, A. Qusair Ameli, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
25. Zamakhshari, M. (1407 AH). *al-Kashaf an Haqa'eq Qawamiz al-Tanzil*. (3rd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]